١٨٠ رجب المرجب ١٩٢١ (٧) عادس ٢ ١٩ ٥٠

این روزنامه بدون نقاضای کتبی برای کسی ارسال نمهشونی

وجه اشتهسسراك:

الحمال لول شماره ۲۵ ماره ۱۵ ما ا شنبه ۱۹ برج حوت ۱۳۰۱

و المناحب المتباز وملاير مساول ، فالور الماينكة دار الشوران ملى

والمناهد اول المع المرا إله والمنظري والمال المران والمالي صفحه دوم و سوم « • » مفحه جارم « ۱ »

ني محل إداره: طهران خما بان علاء الدوله

ما و داشت يومند

۱۵ حوت کای : هر ملتی که به مسكنت اخلاقي افتياد نجاي ا مرود اسات بال با بعدو اهمدادب منسولسيور الحويل شماء مي دهد المنافضية الراء الله ورايمان ال ولو القر بهم وسايد الم المان المارف مي بارد : براي بوسمدن م و المركدام ظاهرا الله من المعنى ها منى كنند أو لى در باطن المنظمة المنظيف معلوم است - آنك 🥻 باید 🗀 کدا رد دستش ارا الموسند الموسند

يدور والمستحد المستحد والأحل على كة بكراميد فر ما فسك اما نبي شود كنت أدب نداريم -ب وحكس ا

ایرانی تا بی شرمیش کل نگرده يك ولهم ادب است و تمارف . در المام الانتوائم ردن عادر والوافق والريو وخوذن ا ملاحت كنن كه ميشهمهنول و عما كولئي أست و اين فييل رسوم-هیج کدام از ملل متمدن ایروز به و ملت تجيب ايران نير سند البته در ما لك غرب هم أدب ا مست – ولی ان ادبی که درایران

و بعمل مي أيد 🚅 أن أدب كار وطن

- ان أدب مثل نجابت مخصوص

و منيعمر بخود ما است

مقصود تعریف نیست سه بیان واقع است مراز (مالا کا) تا ر مُلِيْ سُنكُ فَرَشُ ﴾ ﴿ أَوْ الْوَسَا ﴾ أَمَّا (هَا مَبُورِكُ) _ بهما ن طرز محودماني ١ کل چين کل خين بايابو - بكرديد و سياحت كنيد . أرق هاے سریع = کار خانه های بزرك ، - كشتى اهاليي فظيد الجنه -مدرسه هیای منظم سه دار العجزه های مصفا – مریضخانه های مرتب = باغهاسی عمومی - شرکت، الدازي الدازي ب مو سیات رهنی با انطاف ب

و خدا بہتر می داند 😑 هزار قسم

امد ل ابن اختر اعات عجيب و ع ب

اما در تمام این شما لك از ان ادب گار آران هیچ آثری دید. نمی

مقصود تدریف نیست – بیان واقع لمت ويرسسسين المستسبيل

البنه ادب ایر انی ضرر هم بسیار دارد - یك قست از بد بغتی های عُمَا تُتَبِجِهُ ادبِ مِمْرُ طُ مَا شُتُ وَ ا

چون بك نكته نكفته ماند و بد شد ـ هديشه بايد ان را در دهن مأمند داشت أو ادب ما مقر ما الناق و المراجع المراجع

هر کدار از ما در زندگانی دخمي هر روز ميلني مرر ادب می دهیم

يك قدمت إز ساعات عمر ما دو ر و هفته و ماه و سال بهو عرجس ادسية طرميوني

منج حساب كر ده ايد جدر الز او قات شب و روز شما بالاقات مردم ني گذره م

فكر كنيد چه قست از أين الرقات ما سور در اصل و ما ازروی الدب أبرده أو عهه قسمت أن بيشتر از عد لزوم طولانی شده و فقط ادب منع گرده است که غدر خود را از دست پر چانکی این و آن خلاص

کنید ا ولی ای کاش ما فقط در ند.ان زند گانی شخصی افراط در ادب می گردیم : بد ختی ابن جا است که در زند آنی سیاسی – در آبور مملکت هم – کرفتار هاین مصیبت

هسته ۱۰ ما در این می القائي مستوني رئيس لوزر اء شه ند . ما که دستجات مجلس ما می دید ؛ و قوای انخاص را می دانستيم چيت به رئيس دولت كمتيم چه مشکلاتی در کار هست 🔹 🍦

عقبده ما این بود که با متجاوز از سی نفر منعا لف من شود یکی دو

ماه ریانت وزراء داشت و لی ممکن نیست گار کرد .

المعتقد بوديم كه تا چند نفر. از وكلا وزَّ إِلَّ الْمُو لَدُ مُو الْفَمْيِنُ كُرْمُ ومخالهين ملابم نخواهند شد ابرایت این که کی دوره اخر عَمْرُ مُجَلِّسُ قُمْلِي رَازُ صَرَفَ كُشَّمَكُسْ

و خطابه بازی نشود کمتیم و اقلى رئيس الوزراء 🐣 شماكه نمی توانید بایك دسته مرد كاری كاينه نشكيل بدميد يا

ميطل نشويد . جند وزير منتولي از مجلس و از خارج الاخاب كيد - كاينه را قسمي ساز ند كه یك اکثریت محکم و کرمی تکیه کام البت دوك فيها باشد الله المالة

جنجال تمارف ديكدان وشايد راهنمانی های دوسه نم نکداشت حرف ما را بشفوند

ما م منه من الله ما لاب امداد کردیم شبعرج وفت ہ

حتى جيمي كمتند لمن شا إ با ادب نيت خد كانينه آقائه مُستوفي را كابينه نازنين اسم نبي کذارید - وزرای ایشان را مستمن المالات المنظمة المنظمة

البته موا فق اصول و مو ازبن وب ایرانی لین حرف ها همه در-ت و بجا بود 🗕 ولی اگر ٔ انصاف باشد لا اقل الروز المروز بليد تصديق كنند كه ما خق داشتام ا اكر آن تمارف ها نر دامروز پیش ای امد ه کشمکش در مواد کرامر

صد است اصل درد را ما دیدیم و المنام والمراجع المراجع المراجع

🛴 جمعی دیدند 😑 ادب کردند نىىت

امروز باز عدم ای رو در می مانند و ادب مي كنند ، الله الله

ولی فردا ۶ هفته سد ۶ دو منته فيكر الأسمام ما ما نه - بنهتر است ما اول کسی نباشیم که بکوشیم چه خواهد شد ی داور ی

تان دخار

الله المراجع ا

ماله المعاملة المعام

المكم ش وقايم اشره در أروبا الريخ هبج زمالي نشان تمبد هــــد كه عثماً ني باندازه المروز مورد لوجه عالم واقع شده باشد . آمروز صلح عموسي يأجنك من كه نتبجه و عاقبت آ نرا از نقطه نظر أجتماعي نمبتوان ببش ببذي كرد منوط و مربوط بعنمانی است ه

ر ا کر عثمانی صابح کند _ صلحی كه روسها صلح جدا كانه خواهند ناميد روسبه النها مهماند . باروسبه النها دول عالم شرايط سيختي _ بواي انعقادساج جر نظر خواهند کرفت . ایکانی ایکانی

باین ار آب جنك بین المللي كه آز ١٩١٤ شروع شد بايسن ملح خالمه خواهد یافت - برای روسه یکران ار از سايرين المام خواهد شد .

اطلاعات اخبره حاركي استركم صلح باعتماني امكان يذير خواهد بوده اين مدلك واعت لنبين لهجه ووس ها خده [نيماس آن در آلمان ـ ان شهبت مِعَاوِمتِ آلمانِ ها كاسته . دلهل نقصان مِقَاوِمِتَ إِذْ لَوْقَى فَهِمْتِ: فِرا نَكِ جِعَلُومِ مِي شود : حند روز قبل يك لبره انكليسي مواعل ۸۰ فیرانك بود و امروز فهیا عما دل مور ۱۷۷ فر انك است .

المناجي لك واقع بها فأريخي همتبهرة زوينبه وعثماني يمين خواهند پاید دیکی را نویب داده منا نم بخود را حفظ كنند، الميه درد كدام يك مو فقبت خاصل خوا مند كرد !!

ر مطابق صورت نطقی که (رو بتر) أَمْرُورُ أَشْرَافُ وَ أَمْرِيدُ مُودُ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اظهار داشته که دوابط عنمانی و روسبه دارد محلود به دوستی بن ،دو مملاکت فهشو د ای تور سهاست. کلمه گاردوبهتی ه اللكنوع، أهارف بيش أبست ، أو الم

- 🎉 در تعن حال 🖟 پېشتها دات څورې او المرم المخفقين عثما في را معما بل به صابح كرده استعثما ني هم دراين قصمه راء راست رًا مَنْ رُودُ وَلَى آيَارُوسُهُ 🍱 بَاضْعَف و فلا کتی که دارد - خواهد کداشت این ملح انجام کبرد

﴿ رُوْفُمِهُ أَوْ عَنْمًا نِي لَا دِيْرُورُ -وُدرا متحد و متنق مبدا نستند . خنا نجه حالبه عنمائي ملحجداكانه كند كابه خارات و زُحمات بر عهده روسبه باتی مهما ند. ينا بر ابن نا بتواند از انعقاد صلححدا كانه مما نعت خو اهد كرد نتهجه الجه خواهد A Committee of the second

یادوایدا روحیه و عندانی ایره. خواهد شد

ر او برای ما اهجب ندار دا کهروسیه از حالالدارك كاخود را به أبند] .ويا كنفرانس اوزاناز نوشروع شدمسي 🧦 روسهه در آن نهز شرکت جواهد داشت بهنها دا ای خواهد کرد که مورد قبول واقعوبه صلح عمومي انجام خواهد وافت و المديد

البته اکر شق اخبر سورت کبردبرای عالمت و مخصوصا ابرای آسمای وسطی سفادت بزركي خواهد بود .

وانون استخدا

الله أو فصل دوم طرح بمشنها دي الله كه كمشبون مبتكة أت قابل غوجه دانت راجع بدرجات و ار نقاعاست 💮 🎨 ماده اول آن که ماده (۲۰)لایحه قبشود مبكوبد : ﴿ وَمُ اللَّهُ اللَّاللَّ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الل

در مبان معلمین که هر یك از عدارش ابتدائي ومتوشطه وعالبه بدير فته شدء اند یکی که نمره اواز همه بالانر أست أمعلم أول و مدير مدرسه هوسوب و در مقرری مستر خواهد بودوا

المرادد داوی لباقت بکی ک اغبق در خدمت معلمي است مقدم خواهد أؤو ولبكان در مدارس عداليه مقير غير معلم أو المنتو بكي كا البق و أهنق المت سمت مدبولى داشته ومكلف ته الهليم نبوذه امور مدرسه وا اداره خواهد كرد ا کر نکالی کے در این یادہ کی کل ند. نجریه کینی می رسیم کان

١ - يَرُاي هُــد الرسُ الندائي و شورسان تراكل المراز بجوي ويلا نېستند ؛ بېكى ، اۇ رەھلىين مدير مىموسە خواهد شد ۱۳ - آن معلی مدیر میدود که

نبرة المتحاش إز ديكران بالأثر باشه حبزء اول این ماده هوجب أهجب است اکر آن پیشنهاد از طرف کسی بود که هېچ نمي دانست مدرسه جيست العجب ثاداشت ولى نويسنده أين طرح آ قای زنجا نی است که مدلی ریاست مدرسه اثروت را عهده دار بودند! البته يك مدرسه سه كلاسه ــــ ا حمار كلاسه مد منجاني كه درولايات دور دست باشد ممكن است بوسهله معلم بالأثرين كلاس آن مدرسة اداره شود حون ما كلاغاه الله عدم شاكره جندان زيادة أمست حون مجا المثلث قمض شهريه نداید نوشت حدایی در کار نست ک ناهد اری آن کی را بخواهید بوای وسيدكى بامور لدريسية ــ در موقعي کہ کلاس آخر ۔ رہنی کلاس کہ معلم آن مَدْيِر مُدرِسة هُمْ هِمْتُ مِثْقَ خَطَ دادنه یا ورزش میکسند مدیر می نواند از کارهای مدرسه سر کشی بکشد بعلاوه شورای معلمین هم کمکی مبدهد و امور

مدرسه یك فدمی آداده میشورد این ي جادر فرانسه و انكاستان و آلمان تبز همين الراب معمول اشت ، والي دريك مدرسه عش كلاسه أبتدائي ك يكمدرسه متوسطة نه كالاسه _ بك مدرسه متوسطه كامل نه فقط مدیر معتقلی که غیر از مدیری هبج كاو تداشته باشد لاز مست بلكم يك ناظم هم برای معاونت مدیر واجب و حتمی است هر کسی ونظردارد نظامنا مووزارت

مساغه ما

شرهر خوب

﴿ بَقُرِما لَهُ لِهِ سَوَّالَ رَا شَخْصَى كُرُوهُ وَ وَلَا لَحْتَ آيِنَ عَنُوانَ بِهَانَ كُنَّم : مَرَدُ مَن بَايِد

و منهات مرد خودرا بدو قدمت مبكتم صنات ظاهري وصفات اخلاقي الله

و مفات ظاهری که در بدو امر جاب نوجه میکند خیلی قابل آهمیت است.

زيرا اشعة عشق از چشم طلوع ممكندو در صور ای كه صفات ظاهری باصفات اخلاقی

مرد لوافق داشته باشد آنوفت بمرور زمان بقلب سرایت کرده ـ یك عثق محکم و

عَنِي مَنْ دُر لَمَام وَنَهِا عَمُو مَا وَ دُر أَيْرَانَ خَصُوصًا أَوْلَمِينَ وَظَهُمُهُ لَحَقَّبُقَ بُعُهُدُه

و برای اینکه زن در قدم اول زند کی دجار زحمت نشود نبایستی مرد او

نا باین اندازه از هدایای طبیعت بی بهر ، باشد که زنبدیخت ، حبور شود برای

نسلبت خودوجبران این بی لطفی طبیعت به روحبات مرد خود پی برده شاید در قلب او

احداساني ببدا كندكه رفع نكراني زن بشود درين صورت اصديق خواهمد فرمود

ولی مفات ظاهری هم به انها آی کافی نبت زیرا بزای اینکه بتوان

من از شوهر خوب نجه اخلاقی را متوقع هستم ؟ تروت و لمول در نظر

مَنْ جَنْدُوْنُ اهمبت ندارد ؟ البته مُود نبايد بي نجبر و فقبر باشد و همان قدري

که زندگی موا بتوالد بکرداند و از حبت معبشت در عدت نباشم گاهی است

ولى ارجع بضفات اخلاقي او خبلي مبل دارم شو هرم وقتـي داخل منزل مبشود

مردى رًا شوهر خوب كفت انها و خاهت بإبغبارت بهتر الناسب خلقت كفايت

﴿ فَعِهِ صَفًا لَى وَاشْتُهُ فِاشْدُ لَا مِنْ بِتُوانِّمِ أُورًا شُوهُ وَخُوبِ بَكُويْمٍ * ﴿

كمصفات ظاهرتي مرددر قدماول مهم لر از صفات اخلاقي اوست

شده زندگی نازئی از سربکسرد .

جوابحاردهم

. Ya so las

حَمْرُ مَجَا لَفِي هَمْتُ ﴿ بِنَارُ مَا يِنْدُ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّه معارف را ورق بزند و الماشا كند خه وظایفی برای مدیر میششده! پ مدير بايد با اولهاى اطفال معاشه كـند ـــ اطلاعا ئي كم وزارت معارف مي آن وابعقبه مخو دم خوب نمبدانم مكر ابنكم أَخُو اهد بذهد ـــ سركنين به كالاسها و اکنریت رای بدهد دروس بنماید نے پرو کرام رسمی را بہ موقع اجرا بكذارد ــــ شهريه شاكردان شدهواخذ ای کردیده آغتمار نامهمذ کور را بگمرد -- حساب مدرسه را در آخر از جزء دستور خارج کردید 🛴 🖟 هربرج به وزارت خانه بدهد بـ نظافت وسحت اطنال رامراقيت نمايد ــ اصول أعلهم و أربهت را معمول كنند و امثال وده و شرخ مفصلی اطهار داشتند و وذلك آيا ايا اين لهم كار مبتوان در ر مُوضُوع انتخابات كمماده دوم بركرام ایك مدرسه که دارای سیصد شا کرداست دو ات استاین برخسه منطقی که آوای یکی از معلمین هم درس بدهد و هم بتمام

> "بعقبده ما مدارس ابتدائي مجاني که بیش از سه باجهار کلاس ندارند مبتو انتدبدست معلم كسلاس آخراداره شوند المراجع ا يخود بنده ورموقع السبس مدارس

این امور برسد ؟ رسانه در ا

در کہلان این اراب وا در فو من ــ كَمَاسُو لَهِ اللَّهِ عَادِيانَ لَمُ الشَّهَا هَكُلُ لَمُ الشَّهُ نَشًّا معول اداشتم ، و كاملا مو فقبت حاصل 2.1 ر به ولی در مدارسی که بیش از جهار كلاس دارد حتما يك مدير، مخصوص بايد داشت و در مدارس متوسطه علاوه الر مديم احتباج بهناظهم هديت و اكر عده شا كردان ديك وبدوسير متوسطه ازحهار ميبو پنجاه ۽ نفر فجاوز بکيند هم مدير لازم ايت هم ناظمهم دوتر دار ١١٠ ... الجريان انتخابات ذ كرا شدر است ديكوا الما المال الم

نظرته مذا كرات در جله يبؤم فهشته ۱۵۰ حوت ۱۳۰۱ ا مجلس دو ساعت بنروب در لحت وياست أوقاي مو أمن الملك التكبل شد. سؤرت ﴿ حِلْمُ ﴿ يُومُ قَبِلُ قُرَا لُتُ وَ لَمُوالِبُ

المروز جله امروز اولاً وابرت شعبة ٥ است والجم اعتبار أَنَا مَهُ آ قَاى قُو مَا لَسَلَطُنَّهُ وَثَا نَمَا يُرُو كُوامٌ " معمقت معجرم دو اتو أي آقاى قوام السلطنه ور الشارج از بنده المامنا كردند ك وايرت شقيه ٥ راجع بهاء تبارنا معايشان بما ند برای بکی دو جله دیکر با این نفاضا

سر الناك بلور

از عليات آرسن لوين ﴾

حَامَى مِنْ مُعَلَّى شَمَا است ، نا تبحال مُعَنَّى مُعَلُو بَبْتُ و

فمي داند . فقط مَن يك شرط با شما دارم كه

الما يرسبد : كدامت أو المات الما المان المانية

المُعْدِوابُ داد : شرط من ابن است که من بعد

الم الم كفت : ود ابن خطوص قسم ياد مي كنم

أز دل الحدود "برون كنهد و الددا در الدويش

أُنْمَا شَبِّلًا أَنَّ مَا أَنُو لَمَّهُ مَا أَنَّ وَلَكُمْ وَقَتْ أَدَّارِيمٌ وَ أَيْنَ

المُمَالِمَةُ الرأَى خلاصي ﴿ وَيَأْمِرُ ﴾ وَيَادُ هُمْ السَّالِهِ

فقط امن خواهش مهكنم كه شما از اين به بعد در

كَارُ اللهِ وَالْحُرَالُ ﴾ تخالت الكرد، و العراء [زاد

المنافع كان المعطود و المالي المالي المالي المالية

که از این شاعت همچوقت بدیدار او نروم ...

وَبِالِدُتِي فَيُولُ كُنْهِدٍ . ﴿ وَمِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهُ ا

الكذا بالأر دوبرك ملاقات نسكسبد أراه

است که ۱۴۰۰ سال انجریه شده است و آ قای مدرس سے اعتبار المه آ قای قسمت انتخابات هم الم از اقوام السلنه حزء دستور المروز آست عمال نفوذ متنفذين حلو كبرى مبشود و بایستی امروز مطرح شود و عقب الداختن

، دُر ابن مُوضوعُ مختصر مُذَا كره

سيس برو كرام همنت دو ات مطرح

در كابات آقاى ملك الشعرا مخالفاً

الدينُ أُذُرُ ﴿ حِلْمُهُ قَبِلُ اطْهَارُ وَاسْتُنَّا الْحُرْنَ

وظایف دوات اشت و تبایدتی یکی از

واد پرو کرام باشدو بعلاو ، حالاک دو ات

این مدلمله را خبرع پرو کرام خویش قرار

دا دُهُ اللَّهُ خُوْبُ بُودُ كَهَا قَلَا ذُكُرُ مَى كُرُدُ ا

كُهُ دُو اَتَ بُهُطِّرُ فَ خُو الْحُدُ ۚ بُؤُ دُ وَازْ الْجَرَايُ

فَرْخًا لَمُّهُ إِظْهَارُ وَاشْتَدْ كُو أَبِا ۚ أَيْنُ اشْكَالَا لَيُّ

ان هرچه زود ار اسلاح دوی به

آ قای الدین شرخ مختصری المالت

كلاريس مرزى) با يسر خود (ژاك) از

پاریس خارج شده ، در جنکل (سن ژونن)

بخانه خانمی که آز دوستان قدیمی اس بود ،

اطلاع أنداشت ، حون كه اورا از خواندن روز_

نامه هم منع كرده بودند الم الله الله الله الله

دُست سیار بزند و با از کرونباره ی (بال او)

كَمْ أَمُورَادُ عَفُوشَ وَاقْعَ شَدَهُ رَوْدُنَّدُ لَا خَالِهُ دِشْمَنَ *

را الحت نظر كرفته ود الدوزي كم عموم جرائد

آخرین محاکمه دونفر هم دست لوین را اطلاع

می دادند ، سدای زنك الفن خانه كوچه (شانو

الله الويان / كوشئ فرا أبوسما شته أكفت : إلَّ إلوا أَ

ا صدای کرانی که انعلوم ابواد با اشتبا ب سنجبت

بريان ﴾ اباكمال شدت بكوش رسهد . ﴿ ﴿

بكروز بعد از ظهر ، كه لوين ميخواست

رفَتْ وَ حَنْدُ رُوْزَى بَا كَمَالُ عَمْ وَ انْدُوهُ ذُر آنَ ا

بَسُو أَبُودُ مِنْ آيَدِهِ الْأَازِ إِبَادُينَ وَ كَذَارِهَا اللهِ

أَيْنُ أَيْرُو كُرُ أَمْ مُوافِقٌ نَحُوا هَبُمَ

اً ز آن کار شد روی می که بوای معه مضر است العلو کمر ی شو کلما . خَيًّا امه إظهار دأشتند كه لازم آست نجمن های آیا اتی و ولایتی ناسېسشو د أدارة صحبه الهنام مبدل البتك وزارت إخانه شده و الوسعه يابد . ١٠ الرو ما

آقای رئیس فرمودند که به آقایان ناطقین لذ کر میدهم که خملی از مؤضوع مذا كراتخارج مېشو ند 🛴 🐰 🖠 آقای وزیر مفارف هم شرح مفصلی

بهان و اظهار داشتند کر این برو کرام ا بلدی در امور حکومت ملی مجاهدا اش را خندی میکود! ﴿ مملى است و از خو د شتا ئى و زينت از كتاب (اختناق ايران) المامف شوستر مراست و امهدواریم که با ماعدت آقایان نمایندیکان نمام مواد آن اجرا شود . اخارشوري ایشان معین کنند کهشروع بکار نمایند نُو شَيْنَ وَأَنُونُ انتِخَابَاتَ ذَرُّ حَزَّ خَزَّ كُرَّام ارای مواقیت در حسن جریان آناست ندهی و کرفتن طلب دو اتحفظ

ه و يس الوزراء درمجلس ال

كشر راین دوز یکشیهوارد شدهروز كنشته دروزارت مالمبه حنون بهمرسا نبده د کرتر مبلہ و ملاقات نمود و قرار در كه مترجمس بجاى مديرمبجل برياست كل الما تهاي غبر مستقبم ونمون مودو مستر سجل أبرياست مالبه اذر بايتجان ينصوب خوا مد شد مدور موید نامه

موب المعماي وبل الركورن مبئت وزراء سادر كردود مامئ يعاضد اومان اضافه أز بودجه در وجه وزارت اخله دويت كومان جهت مخارج مامور لمنو ننا مه 6 يا شيد كام له الله يكمد ليره جهت ميغارج جراءتي

که در فارس بشر بکنفر علام انظبی

، وخوه اصویت نا مای فوق از میلم

Charles with secret in which's در این موقع فی کنته شد مذا کرات أزقراراطلاعات واصله اعلبحضرات همايوني آ ذای از آبس فر مود ند مجلس مذا کرات أُقاى صاحب اختيار والمامور تموده أند كافي قبلداند". ألى المسا كَهُ إِ آ قَاعُادِ ثُمِينَ أَ أُوزُوا أَدُرُ أُمَّابِ حَرَكَ العضى كفتند كاني است _ يعضى والأخضرت أقدش ولايت غهد باذر بايجان کفتند کافی نبست لا بکافی بودن مذاکرات آخذ رای مذركره أمودو و شائل حرك معظم له را پرودی فراهم نمایند 🖟 معرفي وأشروع بكاد اينمو قم أمجلس أبرأى أنفس أعظمل الله الأواز مركذشته قبل از اظهر الدكشر أين) مُستشار المدينة بألناق أمبرزا الد أو محددا ساعت ٧ العد أز ظهر

وضاخان افشار مترجم مخصوص أدكترا مُّبِلَّيُو أُبُورُ أُرْتُ وَأَخِلهُ } مَارُهُ بِهُ } قاى سَمْبِلُ أَ حُونُ مُدَا كُواتُ أُمَّدُ أَزْ أَنْهُ مَهُمَ وزارت داخله مقرفي شدندپش از معرفي و مُدَا كُراتُ لاز منه قرار شد كر يك

٣ قالى منزدار فاخر "در زمينه موا فقي ان را صويب بما يند در باب منجيه م ظه را لي نَدُود والعقيدة داشتند كاين كه به شدوز ارت خديدي يا شبس شو د أين أست كم مخارج وزارت خانه و كرام يك برو كرام عملي الت كالشام د ها در آن ببش البناية شده آست ا وتعمارف خفظ المعده برسد ودوباب ور خصو من انتخابات هم در صور اي ع امور قضائي هم دولت، ومجلسو، كه ور قدمت النبر المراقبت ود الفيعت ا مِثْتَرُوحًا نَبِينَ هُرُ سِهُ فَإِيسَتِي فَا هُم كُمْكُ ـنند ثاقر فق باسلاح ابن قوه مهم ملحل ألكر أثري باقن المبدأ بموا أور فعلت اجرای پرو کرمام که با بدتی رعایت لا هم فالا هم الشودو المواد المدر مقدم شد و آن عبارت ال املاح القتما دي است الله المبدو اريم بالموا دقت أبا قا كان زما بنده

أعتر أمن آ واي ملك الشعر اء منات الد ایشان دفاع نمود ند و آقای شبخ ار نبس عدم فسويب كرفية المناسبة هم در زمینه میخا لفت با پرو کرام شرخی ظهاروعقبده داشتند که ما نگ را از نقطه ا

ار حا بي حل کرد و لي در موقع عمل بایستی ملاحظه ، کرد که جده قدم ا شکل شد . ملى است و راجع بامنات وما ليني هنم آقای سردار فاخس اظهار داشتند النورة متن انطق أها والدر شمارم آليه اينطور نبت و كاملا امنيت قضائمي انتثار خواهيم داد . أ موجود است زيرا قوانين ما قوانسني

مقادلادیکر ان

از روز ورود بطهران هن ساعت بما می گفتند که شمارا نمی گذارندههیج کاری درای ایران انجام بدهید ، هر مستشا ری که بایران آمده و خواسته است شروع باسلاحات بكند بالأس م يا مجبور شده ايران را وداع بكويد ويا برودنه

يعدها ملتفت شديم و آنها ، يعنى زما مداران و متصديان امور ــ اينها هم أغلب كاني بودند كه در زمان استبداد جاء و مقام داشتند و امروز هم كمول و نفود و اقتدار در دست آنها است با

این دسته حد ب کرده سود که آلت دست اجنبی شدن ـ کخت خمایت قولت روس رفتن و از نفوذ آن استفاده کردن ــ از راه رفتن و کنار آمدن بَا الْهُمَلَكُتُ أَو الْمَاتُ النَّفُودُ النَّهَلُ أَنْ وَاسْلَامَتُ الرَّاسَتُ الْمُرْافِقِ اللَّهِ

بمجاره ملت ایران که دلبرانه در زدو خورد بود ولی جهل و بی نجربکی

نَفُوْ دَهَا يُعْبِرُ مَثَرُو عَ حَلُو كَبُرَيُّ مِي نَمَا يُلَّا الْمَضَاءُ وَ اعْتِمَارُ الْدُوْلَتِ السَّتِ السِّي الوسفة روز کد شته فیل از ظهر آفیای و نشر معار فهم كه جزء آمال معدوب شده رئبس الوزرا بالفاق آقاى حاج محشم هـت من و ﴿ وَقَاى مَنْ نكران ﴿ أُودَهُ ۗ] مـال ﴿ وَ ﴿ آرَدُو ﴿ نَبِتُ وَ الْسِيتُهُ الملطنة وزير ممارف براى خضور در در حسدود امسکان و بسته بساءدت كمسبون مخصوصه لتكيل شده بود به آ قا مأن " تما بندكان است كل نو دجه لازمه مُجلس شورای ملی رفته اسا ظهر در كمشبون مشنول مدا كرة أودند إس از خا أمه كممبون المجلس بدر بار ، أ مدند 🥻 د کنتر مبلمایو در مجلس

رُوز ﴿ كَا شَيَّهُ قَالُ الْ ظَهُمُ ۚ وَالْمُ الْ مُلْمُ وَرَبُسُ كُلُ مَا لَهِ ۚ فِا فَعَاقَ ۗ إِنَّا قَالَى وَرَبُر يا ابنه مُمجلس ر فتم در كميمون قوانين المه برای کدرا ندان قانون ممبزی مد نی مشغول مذا کره بود ند الم من المحدد ك والاحمرات في الم

شتصد او مان جهت المخارج كمسبون مرحدی ایران وروس که فعلا در ما کو

جهل هزار نو مان اعتبار هيئت دولت يايد پر داخته شو د م کی در داخته شو د

پرداخت حقوق ا

روز كذشته حقوق برج جدى اجزاء

جواب داد : بلی ، الازم است که شما این ا می کند. کفت : اممبو (مهشل سوملون) را از زن بهرا از آن فرود آمدند وفریادی شنهده شد مدت را به ببلاق رفته (زاك) كوچك را می خواهم. محافظت ك. بد . فحافظت ك. بد . فردای آن روز را ، أننا بر امر لوبن ، شما كجانبد ، الله الله الله الله الله الله شد . او است . او است . او است . او است . الطلم الله شد) آنو قت عَمْلُ أَذَّ وَأَنْهَا أَرْجًا مِنْ خَالِمَتُهُ وَشَبِّسُهُ زَّهُمِ را در دهان خو دخا لی کرد ...

كانت و بعد من بكمك شوهرم أورا بهاطاق خودش أبرديم المراس المراس المراس المراس المراس المراس الرسيد : شمنا از كيجا المم و آ درس مرا

معالجه اش آمد ، أسم و آدرس شما وا الظهار كرد و من فورا بشما إلفن كردم مه في الله عليه برسيد : كسى از ابن يقضا يا مطلع شد.

مأدمو أذِّل (مَرْدَى) مناه و دش را مناه وم نمو دم إرسامه : يعد جه شد و اوین دیکسو معطل نشده ، از خانه ببرون خبت و خاود را در الوموبهلي انداخته بطرف ا ﴿ عَن دُر من ﴾ وأوانه شدار إليها عليها الما دوست (کلاریس) دم درب منتظرش بود. دانسته د جواب داد : خودش اوقتی که د کتر برای اوین پرسېد : مَرَدُ ؟ أ كفت: خبر أ، مقدار سم آنقدر زياد نبوده كُنُّو الساعة رَّفْتُ وَ يَكُفْتُ خُطْرَى نَدَارِدُ . پرسېد : برای چه خود را مسموم نموده ؟

اطاق مخصوصی در وزارت داخله برای

كُمْتِ : آقا أَنْ زُودُ أَبِّهَا تُبَدُّ ، شَتَابُ كُنْبِدٍ.

جواب داد ؛ برای این که بسر کو حکش ﴿ وَاكَ ﴾ مَفْقُودٌ لِشَّهُ. "سَتَّ . رُسْمَةً ﴿ إِنَّ مِنْهُ إِنَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ پرسېد: آيا او زا دزديده اند ؟ جواب داد : بلی ، از نزدیکی جنکل مشنول ا بازی بسوه ﴿ وَأَنَّا أَكَامُ إِنَّا وَمَوْ بِبِلَيْ رَسَبِهِ وَ مَوْ إِنَّانِ

المدا دُرُ الشخصوصُ بَا كَنَّ صَحْبَتُ الْكُرَدُةُ آمَ. كانت أن آيًا من مي لوانم او را به بهنم في

المناء عصار روز كسد شته اطاق اداره الفتيش را براي أقامت إيشان لخابه تموده آقای کفیل دستور العمل بشرای الهبة اساسبه اطاق دادند الكسه بفوريت

مستر جس آمسریکائی که بعیت

وروزه قبل از ظهر ابت حقوق کلبه مدارس دولتي بداره محاسبات وزارت ممارف أمويل كرديد و عصر با ورف عفا فواست النعواء لمثلبم وزارت مالبهشد كهدواله آنهامادوشود والمراه

💮 نظامنامه اوقات کار الكسيون معاونين نظامنامه جهث ألام العطيل و ساءات كار ور ايام مختلف منسورای کلید و زار نیدانها نهیه نموده و به مقام رياست وزرا القديم نمودند

المسالبات غبر متقبم دكتر مباسيو

حقوق برج دلومدارس

آبران حرک خواهند کرد وفقا زية و فازاد أحارث أيوان مدير ونشتورك قفقاز راجع بوضعهات عقد معاهده أعجار أي المجارث قند قسمت شمال غربي أيران ووز كذشته الكرافي از مسكورا زا راپرت ديل را داده است . اين

وحوت آنهارا هم بس از ، نصو بب اعتباري موافقت كامله كار كذاران دو ات روسيد از داران از طريق همدان عبامد و باقي

انتخاب نماينهم براى ايران

أ كرات اخبر دو ك درباب المجديد لعرف

كمن كي أو الما ينده أدوات شا و لي روس

قرارداد كمر كي ببن دولت ايران و

روس انتخاب شدة و عما قريب بطرف

از قرار الملاعات والمله المناسب

از سماست و ار نبب زندگی اداری فوقی العاده کمل و افدوده مبدوم و هبه راشی نبستم کی شوهر من دو این باب بامن صحبت کسند .

ور زند کی خصوصی مرد با به بهشر شوخ و شنك باشد و إساسا از مدرد ها تُمِكُم با بك صورت مصنوعي دروغي كه بوسبله آن مبتغواهند اهمبت خود را دير عُرَامِ ثَانِتُ دَايِنَد دَاخِلُ مَنزل مَهْمُونُهُ بَنِي نَهَايِتُ بِهُمْ مَبَايِهِ ، ﴿ وَاللَّهُ اللَّهِ مَا

و قطعا جنانچه خدای نکرده تجبور شوم همچه مردی را بشوهری أَيْدُ يَرَمُ أَوْ ذُيْدِنَ شُوهُمْ تَخُودًا بِنَّي أَخْتَبِارَ خُنْدَا أَمْ مَهَكَبُرُدُ وَ أَبِهُمْ قَهِمتَى شُوْدُ أَوْ معجره خواهم کرد برای من مرد در معوطه کوچك زندگی خصوصی خودباید بکلی جریان اند و شدید زندکانی را فراموش کرد و زن خودرا خدای انیخود males about way and to a solve a supplied and the sales of a solve of دانسته و او را بپرستد من مهخواهم خدای یك قلب خوب باشم . ريان و المراجع المراجع

and with the little little of the first the second of the

اجازه از امير اشكر شرق بطرف مشهد آقای مدیر محترم منانی که بدلهه من برای یك نفر مرد لازمنت عزيمت نمودند كه مطالب و مقامد ﴿ خُودِشَانَ رَا اظْهَارُ نَمَا يَنْدُ ﴿ الْمُعَارُ نَمَا يَنْدُ ﴿ الْمُعَارِ الْطُهَارُ نَمَا يَنْدُ

ا شوهر خوب بشود : ۱ نے میانت – ۲ – نجابت –۳ – اخلاق خوب – نخ –معلومات _ مرفه جو ئی ۔ ٦ - عزم - ٧ - ذكاوت - ٨ - قبد به حدرام

زن ۹ – وطن پرستی ۱۰ گے یک وله بودن . خورا این صفات والازم مبدانم ۱۰ برای اینکه : بشوهر بی دیانت نی شود اعتماد داشت – با شوهو نا نجب زُند کی تنك است - با بد اخلاق نمی شود سر كرد - با مرد بی فضل همسری ا روح را معدّب مي كند الله با شوهر مرق زندكي خطر ناك است المردد عزم و آزاده آکمه امی اوان داد - شوهر بی ذکاوت داشتن سو شکتکی ست - از شوهری که بزن احترام نگذارد افغرت باید داشت - بمردی که منا أن بوطن است محبت ندى نوان ببدا كرد في و شوهرى كه يك دله نباشد

امام قلب خود زا وقف ببك نفر - بزن خود نكند بانفاق همه زن ها

ولی ارجی بھات المرابی و حبی المرابی کید و مثل ایک داخل عالم لاز ای قابل همدری نہتر.

الموضوع والرجوع بمجلس عود عاليي المود بد ودو شور عللي بجنين الداي داده شده که انها غخارجي و کبل رسمي نمبتو الند

كذراندن بعنى مطالب از دولت كتب خمرسه ولى قبت همان قند دورطفوان المناهلية الاصلحة ها المناهدة الله کنون شکایات استباری از این نوانینی عست ومشت قران والمام منطود فنديك و بي نظمي مايخيه داي مر بورد بو اسط عدم الطرزا بزن مبرسد بوطئ يتجاء وشش المطلبعق عمليات آنها فانون شده ووزاوت رانو دو عباسی مبدروشند لیکن پس از - عدليد ناحال الكليفي معين نه نموده كه النكازقة قازيه شكر خمل كردندو لشتورك المالي والحق باشتد على لوان من هور قنبت شکو وا در وازار قبل بر بطور دا أمى أعببن نمود وحدل قند ازهمدان اغلب ما حبه های نواحی ا مورات حقوقی بهدان طريق كدخدا منشى زمان استبدادجويان ييدا مبكنه _ امورات خلافي بواسطه از خارج در موضوع و کات رسمی

إذاره بالبات غير مستقيم از طرف، ثبس [آقاى نتى زاده رئيس مبديون عقدمعاهده [ايام اخبر در ودمت شدال غربي كل بالبه برداخته كرديد حقوق برج داو الجارت روش و آيران بعركز واصل و آيران فند استعمال نميشد هويبا لمسام الماشند والى ممكن است وكبل الفافي م برای پرداخت چهار ماه آخرسالداداره او درعقد این معاهده خاطر نشان او ابای اهانده دخبره های سابق و حالبه در بازان از ا دولت ایران نموده بودند و شمنا برای کیریز پوطی پنجاه و هشت قوان بغروش

الفاء قانون جزاي عرفي ابدا در لحت قاعده نبيت آن هم بسته بمبل واداده

ثا انداز: که اعتبار مودجه صوبه آن اجازه مبداد لتكبل دارة وبقيه را مو كول تصويب بودجه جديديكة بمجلس فوراي لی پیشنهاد کرده است و در راین باب مجلس لقانيا شده که زود ر بودجه آن وزارت خا نهرا لحت متاوره بكذارند كهسلحبه ولايات لكمبلوثو لا

احارواطي

ما فرث الندل

ك يدر سردار اقدس با يكنفن ساحب

منصب الکلم بی برای معالجه در مسدت

شف ماه با حصول أجازه ازشر دار أقدس

أَمِلُونَ اللَّهُ لَ حَرَّكَ كُرُّهُ وَ أَيْنَ مِمَا فَرُتَ

شاكاه أشنت فقط برائ معالجه وفته مربوط

زمایندگان مالمین او کتان

از درمجر اطلاع مبدهند كه نمايندكان

الحصن دار الكراف خانه

كفبل حكومت شفنان اطلاع مبدهد

كلانتر شهر نواسطة مخالفت با

أسرون نظميه آزانها نحريك نموده

است که بعلوان در خواست حقوق معوقه

خودشان در للكرافخانه متحصن شدهاند

اختلاف بين دوائر دولتي

شته اختلافا لي در بين دوا لو دو لتي

الحياد شده است و حيب تحدوث اين

اختلافات اجزاء أداره ماليه مساشند

حنائمه از طرف فولت جلو کبری از

ابن اختلا فسات نشوه باغث العظامل و

الأفيال فببير وأبسء فذله

👫 🐫 نظر بشكايات متعددی كه ازطوف

أَوْا بَانَ عَلَمًا ﴿ أَرْ رَبِّسَ عَلَمُ لَهُ الرُّوجِرَةُ

وزارت عدليه رسيده بود روز كدعته

أز كرف وزارت عدليه منار النه و

عُدَالِهُ " الروجر د انتخاب كرديد وعلما

قربب بمحل ما وربت خودشان خواهده

سيس ليكن علمه ولايات سيسس

وزارت عدليه سابعهماي ولأيات وا

و و قاي سرهان المتكلمين سرياسية

منوج وامرج المغرطي خواهد شد

از فوحان اطلاع مبدهند كه يك

رعایای مدلم لر کتان پس از حصول

كأر بكذار محمره اطلاع مبدهد

شده بود که آیا لبعه خارجه مبتواند و کبل رسمی باشد یاخبر آقای وزیر این

کفت : برای جه ۶ پر پر جُواب داد : هر چه می کویم بکن ودلبل مخواه ألا الومو ببل من دراين الزديكي منتظراست

بمادش آمد که [دو برك] به و براسويل ه نوشته بود : ﴿ [أنجه عقيش ممكنتي نزديك دست لوبود أحند دفعه هم آنراً برداشته ونشناخته !.)

على من مفارش كرده است كه كدى با الاحرف نزند . ﴿ يُرْمُنِّهُ مُ اللَّهُ اللَّهُ وَ كَارَا اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهُ اللَّهُ اللَّالِي الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ الللّل

ا لحاشت ؟ کفت : د کتر اظهار کرد نباو خبلی شدید أست أو بايستي دو يا سه هفته راحت كند ، واين مم غبر ممكن است ، جون كه به (ژاك) خبلي علاقه دارد و در غباب او راحتی برایش متصور Control of the second of the s الله الله الكر (دُاك) بمدا شود ، أن

الخطر نجات خواهد يافت ؟ المنظم المالة المنظم لِي احواب داد : البته ! ﴿ وَإِنَّ اللَّهِ اللَّذِيْمِ الللَّهِ کفت : پس وقتی که مادام (مرژی) بهدار في شد ، از قول من به او بكو تبد كه امثب ، قبل ﴿ إِذْ نَصْفُ شِبُ مَا يُسْرِشُ وَا بِرَائِشَ مِبَاؤُومُ مَا يُوا المثب قبل از الصف عب ، فراموش نكنيد .

آن وقت او پن از خانه خارج شده مجددا به الوموبيل نشحت و به شوفر امر داد : باغجه مسبو (دو برك) وقت دارند ، د كتر (وراش) (لامار ئين) ، منزل ممهو (تُوبِرُك) ا

التحريري كو در برداشت ، إنواع واقتام لباس إ وكنان نيبكنم . . . حيى أعما ، كلاه و غبره را هم دارا بود . الله لو بن كفت : در هر حال أبن كارت را به بعلاوه جُندين جُعبه بزل باريش و سبهل مصنوعيو ايشان بدهبد . كلبه لوازم لنبير دادن قبافه و هبكل در آن موجود بود . بقدمی که لوین در باین داه می أوانست خُودٌ را به هر صور أي كه مايل باشد ، در آورده و سر نامیای خود را نعیس دهد . ع بنا بر این در ساعت شش عصر، بك آ قالی که ردنکت مشکسی کو لاهی در بر و عبنك پشت کوشی بر جشم داشت با سیمائی محبت آمیز ،

دست بزنك درب خانه (دُوبرك) برد .، ﴿ الله و الله و الله والمال (هو بوك) همراهی نمود و ادر آن جا ﴿ ویکانوار ﴾ دا لوین رو به (ویکمتوار) کر ده پارسید

و قرن دد ا

وكالت الباغ خارجه

الله المناه المن

الوموبيل أوبن و غير از كتب و لوازم المجواب داد : ممبو دراطاق خودشان همتند

أنباع خارجه در وزارت عدلبه استفار

و لوین آهستهٔ او دار به زاویه داه دو برده كفت : كوش بدُّه ، بمحض ابن كه من باطاق او رفتم ، فورا لماس های خود را بر دار واز

ارو وشتان کن این این 🔻 🔻 🔻 آن وقت کار ای از جب ببرون آدرده. روی آن نوشت : از أُجانب (مادام مُرزَّى) . و به (وَيَكُنُوارَ) دَاده كَفْت: بكبريد ، مبهو حتما اوین دا انها کداشت . و جون (ویکتوار) در رفتن نامل کرد آهـ ته كفت : كويا ميخواهي مرا رسواكني؟ مبحوقت أن را همراه خود نمبيرد . زود باش ا (ویکتوار) با کمال اهجب کات : لو

آن وقت هردو بهاطاق الحرير (دوبرك) فتند أه (ويكنوار) شعبتي جراع برّق را كردانهده أو بن نشبت و أدر دل كفت : حتما سر لنك بِلُورِ دُرُ هُمَيْنُ اطالَقِ است ﴿ أَجُونُكُمْ [دُوبُوكُ] " ﴿ آنوفت بدفت أشهاء اطاق را ازنظر كذرانهد

متخصصين و علماء لخمين كردُّهُ الله

اخطان

مقالاتي به القاء مقامات ، وسمى مبنويسد

جنين اشعار داشته است كه انها مسلمه

كه ممكن، است خالمه به كشمكش ناحبه

روهر) بدهد این است که دولت آلمان

بهشتها دات رسمي سريحوقا بل قبول راجع

and the first of the state of t

و پنج ملبون مارك

جریمه که بر شهر [بوشوم] بواسطه

حدوث وقايم اخبره وضع شده بود از

اداره خزانه داری شهر اخذ کردید

فرانسوی ها هشتاد ملیون مارکی را که

برای حقوق کار کران اعتصابی راه آهن

رك لبنكهوس) فرستاده شده بود ضبط

خانه از آجرای حکم مامور عالی این

المتفقين أراجع به ااسبس للكراف قوالي

قَشُوْنَى أَدَارِه فِسَيْخَانَه رَا أَضُرَفَ كُنْ دَنْدُ

و فرا المو يَّان قرار شد، است سبم كثبي

نمامند كار كران ألم أني اعتصاب كرده

أنه و حنا أنجه شروع بكار كسننه اوضاعً

يَّدِي وَ لَلْكُرُا فِي مَا نَدُ مَنْهِزً] خُواهدشد

رم ــ موسوليني در طي اظهاراني

در مقامل هبعت دولت حنين أظهار داشت

ك حدق مراعدت إيطا لها نشت بفرانسه

ور مدلكه غرامات اعث الوالمد، زمز مهما أي

شده است که خبالات بزر کتری در بش

است و ممكن است ابن اقدامات بوعليه

وولت مخصوصتي كوممه داده شود وليي

دو أن اظهارات را بهمچوجه السديق

تمينما إداريوا كنها منطود هولت استقرارا

روابط حسنه بين فرانسه و ايطالبا سي

باشد و ريدين مناسبت قرار داد اخس

لمجاراي فبما بين منعقد شده ولي هبيج

ار الماطي بالحاد معمولي و قانوني نداود

كي ممكن باشد در يك موقع بحراني

باعث أيحاد خبط غبر قابل عفوى شده و

إيطالبا را متعهد نبايد

أر أن ٢٨ ــ قَدُون متفقين نقاط بين أستحكامات

كلن أو كو بلنا و ما ينس زا اشعال

كردند للأنشدت الفتبش كمر كي ابيا فرايند

دوازده ملبارد مارکی که از مستخلیمین

اخذ و لو قبف شده ، بود ، ارای ، امادیه ،

تحقوق قَدُون اشْمَا لَيُ الخَصْبُصُ يَافَتُهُ اسْتُ

الله الكابس درا كان يوو ألث

كرده و أَسْتُرْدُادُ وَجُوهٌ رَا تَقَامًا نَمُودُهُ

TO WAS TO BE A STORY OF THE STORY

بران ۲۸ ـ فرانسها بعد ازاشغال

کنهدو اتر بدباری از شهر های دیکوهٔ

را اشغال کردند و حالبه ساحل بمین

رَنْ أَزْ كَاسَيْلُ السَرَحَدُ وَلَانُوسُ اشْعَالُ شَدْهُ

أننت مُعاومٌ شَده أست كُهُ مُنطقه الكليسيُّ

در معاصره فرانسه هما واقع کردیده

است (په نه او د م)

الران ۲۸ ـ بوخوم محاصره شدهاست

لُوقَبِف هَأَى دَسَتُهُ جَمَعَى أَدَامُهُ دَارِدِ ﴿

آلمان سـ خلع سلاح پلېس درسه

تشهرا ناحبه روهر مداومت دارد أبرأي

يلبس ألما أي كه ازمنطقه (رؤهر)خارج

شدر الله اقدامات لأزمه بعمل آمد، در

رکوملرف نظر بامتناع امنای پست

وكرر احساء الملك همه روزه مَنْ عَمْ عَالِمُواى بِلَا إِرْ أَنَّى مَرْضَى خَاصُرُ اسْتُ خما بان مآحب اختبار ندره ۱۸ ندره اعلان ۱۱ ۲۰۰۲ و شركت شاهنشاهي اعلانات ،

اطلاعات متقرقه

الترخب اطلاعات مندرجه درجرا يداروها دُوازُ دِهُ الْمُنْ الرُّا مَقدالُري كَهُ الْحَمِرا كَمِهَا مَنَّى المُعَلَّ الْمَامِ اللهُمَامِ المُعَرِّضُ الْوَرُولُيُّ كَذَ اشْتُهُ بود مردم لقاضا داده بودنه

بن طبق را بورت شالها نه بانك شاهنشاهي أيران بيكه حريده اليمهر لندن اشاهت داد، وحوهی که در این بانك الرسم المانت كذارة الشدة قريب أجهار ملبون أبره است و مقدار اسكناس كه بانك ببرون داده و درايران وواج است مًا لَغُ إِبْرُا هَدُ عَدْ الْمُؤَادُ الْبُوهُ فَي شُودًا

With Miles & The Market أهداد أو نوموببلها في كه درمما لك معتلقة المت

ا ريط اين اين اين و مده و هرو ا ما لك بريطانيا مار ك

احارماره

مكر مك

~12 tol كوملر ٢ ــ ما ورعا الى بين المتفقين فوا مانسي شادر كار ده است مشعر الله اً يَنكُمُ مُن يَعُونَ مُمَّا وَلَا أَمُولًا آ لَمَا فَي أَوَاهُ أَ آهنها بوظایف خود عمل تکرده و در كارها سدتي و أهمال مبنمايند أدار مراء مُ هُنَّهَا دُرُ لَحْتُ وَإِسْتُ فَرَا نَنَّوْ مِانَ وَا كَذَارُ مبشوى و آنها هم در الحت نظن المامور عا لي متفقين و فرمانده كل قو ا مبها شند الله

A Children of the Control of the Control أبران ۲ ـ دولت آلمان بادداشت لجديدى بعنوان فرانسه في بلزيك ارسال داشته و اعراض نموده است که نوسعه مَنَا لَمْ قَ فَرَا نَمُهُ ۚ وَ اللَّهِ بِلَّهِ إِنَّ اعْمَالُ السَّوْلُ المجديد كمركى ميخا ان با معاهده الماح ورساى و قوانين يُبْنِ المال مباشد ضمنا. اشعار شد. است نظر باینکه دولت فرانسه اغضاى آلماني محكمه حكمت فرانساو آلمان را نعمير داده و العجاى آنهااز الشيخاص بإطرفني كه مجمع المات ملل معين نَّمُوده است كذاشته است أواتُ السميمات معحكمه حكميت را برسميت نهخواهد شنأخت وهبجكم له العهدى رافدول نخواهه

الله ياريس كالجريدة الله كه عموما

S. M. Salar M. March 1988

در مبان معجا معسماسنی [آلمان] مدا کرانی أيجاد نموده است ـ حرايد فرانسة خاطر نشان مبنمایند کهمدر اعظم آلمان در إظارائش تصميم خود را به مقاومتدر مَمَاءِلُ فَرَائِمُهُ وَ بِلَرْيِكُ أَعَلَامُ دَاشَتَهُو دُرَ. عن حال كفته است كه أمام وسائل عملي را درای نصفیه ما نل موجوده از نظر دُور نخوآهد كرد ـــ مُطْبُوعات أظهار مي دارند كم ببانات رئيس الوزراء دلالت ر آمبیر طرز فکر آنها میکند 🐩

المكراف والماز آن شجنين حاكي أست كم دوات اصمم أموده است الما زماني كه عنماني رسما قول ندهد كه از لمعبد مسيحيان خُوْد دارى نمايد مدادرت رميادله اسرانه نما ينك عمر جرايد اين نظرية دولت را تايمد مي نمايند ا

آيا العمادن تقط تمار خواهد شد ? 🖔 أُنعد أز [نكم شازع و كبرو دار وَوَلُ وَمُمَا أَرُا رُزُّ أَسَرُ الْإِنْ أَمَادُهُ مُحْبُو فَيْ دانستبها أينك مي أخواهيم بدانيم الكركي این زد و خورد نوام خواهد داشت . الله آیا روزی خواهد رسید که ناط

ا این هماله مهم و بزرکی است که شَـُدُهُ أَنَّ زَيْرًا رُوزُ نَرُوزٌ نُوجِهُ مَالَ بِهُ أَ نَفُطُ زَيَادُ ثُرُهُ وَ مُوارِدُ اسْتُعْمَالُ ۖ إِنْ بَبِشَتَرَا

ال ال الله المن كه خوا الله فرق

۲ / ۱ ملبون ببت نفط بو د e YV e e e MAN air

مقابل فقدان اداره راه آهن (آلمان) كمهسر عالي متفقين أداره فني و لجار لي راء آهن منطقه رااشفال کرده است سے در اول ماه مارس، قطارهای مستقهم از پاریس بطرف [دوسلدرف [و [اسن] خرک کردہ اند ہے۔ اور [ب، ب] Same of the state of the state

احضار الحالس برای روز سه شنّه

د راطراف کنه اس لو زان

اسلامبول - مصطفی کمال چاشا در طبی مطفی که در مجلس ملی اثرك در مقامل خمعیت کتبری ایراد زمود حتین اظهار داشت که سیا ست عنما نی الساست مسالمت كارانه است و أسو ها حتى خود را براى استقلال و شخصبت مالي و اقتصادي و قطائي تا بت كرده اند و درای نامین صلح بایستی دول معظمه ابن مراك وا يوسميت بشناسند برا والمناس عبالت لوك دو شرق فزديك استحكام روابط حدنه با افغا فينتانوايرأن و لشبيد مناني ودرد بين دو لتبن عثمانيو روسيه و اوسعه روابط اقتصادي باروسية ميهائدٌ و الباعه مذاكراً لي التوات روسهه برای آنعقاد امعا هده المجار الی و فندو لی در خریان است (د)

مطوعات فارجم

ني. شو د ميه الله ١٠٠٠ الله ١١٠٠ ال

فاحشى كه ما بين مقدار مصرف تفط در سأبق و مصرف كأونى آن موجوداست مُلَّتَاتَ شَاوَدُ ۚ أَرْقَامُ دَيِكُ وَا ﴿ وَكُرْجٍ مِي كنبي بالنبية أن المادية المادية

🕔 سنه م۸۹۰ مُقدار مصرف کمتن از

(هرببت مساوى است أبا ١٥٩ يوند) که مقدار نفط موجوده در جاههای عالم الفاوت مصرف مابین دو سال اخبر ٥٦ مسلسارد ببت نقط است و اکر نطوری که در سنه ۱۹۲۱ مصرف شده حدول دیل مهمترین دولی را که همه ساله ۷۹۰ ملبون نفط مصرف شود استخراج نفط آنها ببشتر است برحب بمداز ۷۶ سال المام نقطی که در مخازن مقداری که در سنه ۱۹۲۱ استخراج كره أرض ينهان است امام خواهداشد کرده اند نشان می دهد (دو ای که لهكن حون مقدار مصرف نسبت بسنوات كمتر ازبك ملبون ببت استخراج كرده ماضي همه ساله بېشتر بوده است بهمان نسبت كه حماب كنيم فقط نا سنه ١٩٥٥

190 . 197.

** * * YT. * * 1941 ...

نه دو کید است .

اند دراین جا ذکر نستوند)

الازوني الله المهم المستهد و ١٩٩٠ .

مكريك الموسود المسارية المالية المالية

Cemps de la Marie de la Contraction de Contraction de la Contracti

هند هو لندى

ایران

رو ما نی

كالبسى

زايون

ارندداد

ارژانتن

المراون ببت

418 1 4 8 A W. W.

0 0

, NOT ME TO LOS

() () () () () () () VI MULTINE OF MERCHANICAL . برای لیکمیل اطلاع خوانند کان محصول أنفت دانها را درسنه ۱۹۲۲ دیلا درج می کنیم : پر الله بالله بالله بالله بالله بالله بالله بالله ا مریکا بر المریکا برای این است دورودورد این این A 130 My ٤١٠٠٠ ١٠٠٠

WJ000 Jees

Yy9...

12000000

1212-2000

والال المنافقة المنافقة

مندهلاندي

ا ير ان

رو ما نی 🛴

الما يا قاياني كه شهريه برخ عمل و تورا هذه الدنة ، آنها بنا كمنون ملوقي و برداخت نشده است اعلام مي شود كه شراي دريافت شهرية برج مزبوريوريونواوت سالبه اداره معاسيات كل مراجعه نما يند وزارت ما ابه صديق حفزت بالمهاييون ندر اعلان ٤٢ د م د الماد الماد

بنا به نقاضاي عدة إز , آقايان محترم أنمايش باشكوه الاهدايا هدان معينات سابق در لبله دوشنبه ۲۴ رجب باشتراك آر لبلت شهروري (بادام آقا بابول) بمعرض نمایش گذارده خواهد شد است و سد و نمایش گذارده ساحيان دوق و قريحه أدبي البيه ابن شب تشبني با شكواه وا غنيمت المواهد شَمْرِدُ اللَّهُ عَلَيْهِ اللَّهِ أُولَ أَولَ أَوْ أُولَ أَوْ أَوْ دُولِمُ ١٢ أَوْ مَانَ عَلَيْهُ مَا أَوْ مَعْ المَا ﴿ محل فروش بلبط منزل مسبو [قابا توف المسلم الم

(اسره اعلان ٤٤) و شرك شامنها مي اعلامات و

بررس لندن

نك لير.	ياس عل	الميره ع	شابنك	بلی	المنتخل المنتكى
					موسام الملك شاهنشا هي و قرضه ١٩١١ دولت ابران ه متمارفي كيالي الفت جنوب ه ملمارفي حديد

	بورس طهران عربد فروش
اورورك - ۱۲۰ آليان - درو المحاسب المح	اندن مکنوس ٥٠ ـ ٥١ ٥١ ـ ٥١ ـ ٥١ ـ ٥١ ـ ٥١ ـ ٥١ ـ
T11_	بادیس سویس او بورك ۱۰-۷۰ ۱۱-۱۱
The second second	

محلمه لا من لسفى ل